

## جناس همسان (تام)



تولید ظاهر و اثرگان یکسان و معانی آنها متفاوت

مطمئن شوید معانی متفاوت را یافته‌اید. صرفاً به ظاهر یکسان اکتفا نکنید.

« وف ازاد مادر چون مرا ازاد جفا ازاد مادر چون تو را ازاد »  
« جناس تام ندارد. »

« جناس همسان » اثر در آخر دو مصراع به کار رود قافیگی آن شعر است نه ردیف. (زیرا ردیف هم ظاهر یکسان دارد و هم معنی یکسان در حالی که در جناس تام تنها ظاهر و اثرگان یکسان است.)

« هر کس که نه پای بر آن خاک سر کو (کوجم) زگرش همه این است که گم گتم دلم کو (کبه‌ست) ؟

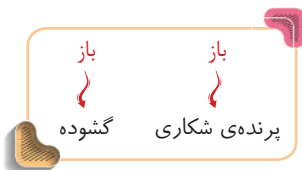
✓ قافیه ✗

### نمونه‌ها

- ۱ بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم تا دیده‌ی من بر رخ زیبای تو باز است
- ۲ تنها به دیده‌ای، نتوان داد گریه داد باید چو ابر از همه اعضا گریستن
- ۳ به تار مو اگرش ره فتاد در شب تار چنان دوید که گلگونه اشک بر مژگان
- ۴ خرم تن او که چون روانش از تن برود سخن روان است
- ۵ هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است تا نگویی که اسپران کمند تو، کمند

## حل نمونه‌ها

۱. بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم تا دیده‌ی من بر رخ زیبای تو باز است



۲. تنها به دیده‌ای، نتوان داد گریه داد باید چو ابر از همه اعضا گریستن



۳. به تار مو اگرش ره فتاد در شب تار چنان دوید که گلگونه اشک بر مژگان



۴. خرم تن او که چون روانش از تن برود سخن روان است



«اضافات» (ضمایر پیوسته، نشانه‌های جمع، پسوندها و ...) تأثیری در جناس همسان ندارند.

۵. هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است تا نگویی که اسیران کمند تو، کمند



## جناس ناهمسان (ناقص)



**نکته** فردکار عمودی (هر وقت دو تا لغتو زیر هم نوشتی، بعدش فردکار تو عمودی روی یکی از حروف گذاشتی و بقیه‌ی هروفخش %۱۰۰ یکی بودن، جناس ناقص پیدا کن کردی) + تفاوت تنها در حرکت

بود	بُود	بُو	بُود	بُود	بُود
سُود	بُود	بُوی	کُبود	بُنا	سُود
x	✓	✓	✓	✓	✓

**همراه‌های واژگان** (نشانه‌های جمع، ک، پوند و پیشوند، ضمیر و...) تأثیریک در جناس ناقص بودن آن‌ها ندارند.

« دیدی آن تَرَک خا غارت دین بود مرا گریحه عمری به خط دوست خطایش کردم »  
 جناس ناقص      بی تأثیر

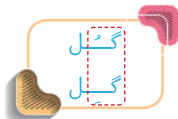
در این حالت چون اختلاف ظاهری بیش از یکی می‌شود توجه ویژه نیز داریم.

### نمونه‌ها

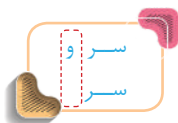
- ۱ نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی      که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی
- ۲ اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من      سر من و قدم سرو ناز پرور من
- ۳ از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه      می‌رود صیّاد از پی، صید پیکان خورده را
- ۴ قامتی دیدم که می‌گوید گه برخاستن      کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟
- ۵ دنیا غسل است و هر که او بیش خورد      خون افزایش، تب آورد، نیش خورد

حل نمونه‌ها

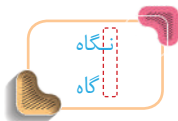
۱ نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی



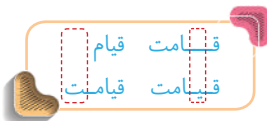
۲ اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من سر من و قدم سرو ناز پرور من



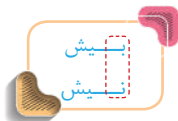
۳ از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه می‌رود صیاد از پی، صید پیکان خورده را



۴ قامتی دیدم که می‌گوید گه برخاستن کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟

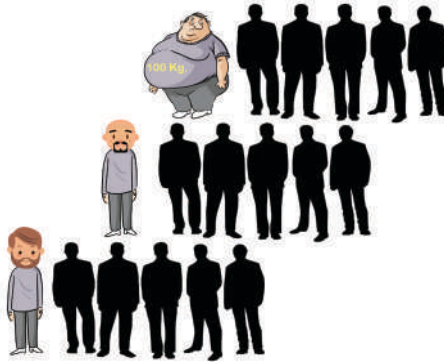


۵ دنیا غسل است و هر که او بیش خورد خون افزایش، تب آورد، نیش خورد



## سجع

**نکته** کلمات هم قافیه، یا هم وزن در **آفر جملات** نثر (سجع در نثر، اغلب مثل همان قافیه در نظم)



اضافه یا عبارتی به شکل ردیف می‌توانند در آخر آن بیایند. گاهی یکی از طرفین به قرینه‌ی فطری حروف می‌شود و این موضوع تأثیری در سجع ندارد.

«دختری پرخاسته بود و جمله به گل آراسته [بجود]

### نمونه‌ها

- ۱ دیده در ظلمت شب، هر چند در خفا است، اما امید روشنی صبح در قفا است.
- ۲ ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را فروختی به طرح.
- ۳ تا با تو آشنا شدم، از خلاق جدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم.
- ۴ الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، مغفور و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت مهجور است.
- ۵ آنچه منصور حلاج گفت، من نیز گفتم، او آشکارا گفت، من نهفتم.

## حل نمونه‌ها

۱ دیده در ظلمت شب، هرچند در **خفا** است، اما امید روشنی صبح در **قفا** است.

۲ ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به **حیف** و توانگران را فروختی به **طرح**.\*

۳ تا با تو **آشنا** شدم، از خلاق **جدا** شدم، نهان بودم و **پیدا** شدم.

۴ الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، **مغفور** و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت **مهجور** است.

~ است بعد از «مغفور» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است و گفتیم که این موضوع تأثیری در ایجاد سجع ندارد.

۵ آنچه منصور **حلاج** گفت، من نیز **گفتم**، او آشکارا گفت، من **نهفتم**.

\* در اینجا از سجع **هم‌وزن** استفاده شده است. بحث **وزن** بحثی اختصاصی و مفصل است و ما به همین اندازه کفایت می‌نماییم که:

تعداد حروف و حرکات برابر باشند (حیف و طرح = ۴ حرف و حرکت) + حروف صدادار (ا / ی / و) = ۲ واحد

سیب و دود و کار = ۴ واحد ~ هم‌وزن

## واج آرایی، نغمه‌ی حروف



کشتم شپش شپش کش شش پا را

**کلید** ذکر بیش از ۲ بار حرف یا حروف نزدیک به هم و تأثیرگذار.

**کافی** کاهن واج انتخاب شده با موضوع و مفهوم بیت در ارتباط است:

«خزیده و خزر آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

«خ وز» تداعی کننده‌ی صدای «خِر خِر» خرد شدن برگ‌های پاییزی

«خروش از خم چرخ چاچن بسات»

«خ و چ» تأکید بر خوننت

### نمونه‌ها

- ۱ ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت  
که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت
- ۲ نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم  
ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم
- ۳ چو دید لاله‌ی روی تو، باغبان از شرم  
هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت
- ۴ جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل  
گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل
- ۵ ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم  
سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن

## حل نمونه‌ها

۱ ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت  
که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت

حرف ش

۲ نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان‌گیرم  
ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم

حرف گ

۳ چو دید لاله‌ی روی تو باغبان، از شرم  
هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت

حرف چ

۴ جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل  
گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل

حرف ج

۵ ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم  
سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن

حرف ن



## اغراق (مبالغه)

یاد «مکه می‌شه + عبارت نتیجه نه اغراق»



از آنجایی که هر اغراق منطوری دیگر در پس خود دارد، همگی آن‌ها به نوعی «کتاب» نیز هستند و این دو ناقص یکدیگر نخواهند بود.

### نمونه‌ها

- ۱ بلبیل از شاخ گل افتد به زمین از مستی
- ۲ به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد
- ۳ به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه!
- ۴ تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من
- ۵ چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یا رب!
- گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند
- جهان ماتم‌سرا گردد اگر من از نو افتم
- که از ستاره فزون است اگر شماره کنی
- از ره دشمن به مژگان خاک برمی‌داشتم
- چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم

## حل نمونه‌ها

۱ بلبیل از شاخ گل افتد به زمین از مستی  
گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند

◀ مگه می‌شه بوی خوش یار بلبیلی را مست کند و از پا در آورد؟ نه

۲ به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد  
جهان ماتم‌سرا گردد اگر من از نوا افتم

◀ مگه می‌شه با صدای من آسمان برقصد و با سکوت من جهان در عزا فرو برود؟ نه

۳ به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه!  
که از ستاره فزون است اگر شماره کنی

◀ مگه می‌شه اشک‌های من از ستارگان آسمان بیشتر باشد؟ نه

۴ تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من  
از ره دشمن به مزگان خاک برمی‌داشتم

◀ مگه می‌شه با مزگانم، خاک از سر راه کسی بردارم؟ نه

۵ چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یا رب!  
چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم

◀ مگه می‌شه انعکاس چهره‌ی یارم جهان را پرنور کند؟ نه